

یکی از گونه‌های شناخته شده در میان انواع مختلف تألیفات اسلامی، گونه «قصص الانبیاء» است که برگرفته از قرآن، روایت تاریخ و سرگذشت پیامبران پیش از اسلام است. ارتباط موضوعی این نوع تألیفات با تفسیر و تاریخ و احادیث اسلامی و اشتراک مضمونی آنها با گزارش‌های عهدین، از جمله عواملی است که موجب جذابیت این گونه ادبی برای محققان حوزه مطالعات اسلامی در غرب شده و توجه ویژه آنان را به این موضوع جلب کرده است. انتشار پژوهش‌های متعدد در این باره در کشورهای غربی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه و همچنین ترجمه شمار چشمگیری از آثار کلاسیک این موضوع به زبان‌های اروپایی، شاهدهی بر این مدعا است. یکی از پژوهش‌های قابل توجه در این باره کتاب پیامبران عهدین در قرآن و منابع اسلامی، نوشته روبرتوتولی است که اصل آن به زبان ایتالیایی در سال ۱۹۹۹ تألیف شد و انتشارات کرزن، ترجمه انگلیسی آن را در سال ۲۰۰۲ منتشر کرد. ترجمه فارسی بخش عمده‌ای از این کتاب، در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات انجام شده است.

مقاله حاضر - که یکی از منابع مهم پژوهش توتولی است - نوشته یان پائولینی خاورشناس و صاحب مقالات متعددی درباره ادبیات قدیم عربی و اسلامی است. این مقاله در سال ۱۹۶۹ به زبان آلمانی تألیف و در سال ۱۹۹۹ به زبان انگلیسی ترجمه شده است. اگرچه بیش از چهار دهه از زمان تألیف این مقاله می‌گذرد، حاوی نگاهی روشمند و نکاتی ارزشمند است که در تألیفات موجود به زبان فارسی در این موضوع کمتر به آنها توجه می‌شود. توجه و اهتمام فراوان مؤلف به معرفی نسخ خطی مرتبط با موضوع و دانش گسترده او در این امر، از جنبه‌های شاخص مقاله است.

این مقاله، پژوهشی درباره آثار مشتمل بر داستان‌های پیامبران و عناوین این آثار در منابع اسلامی است. در این نوشتار به بررسی مشهورترین کتاب‌های این گونه ادبی که عمدتاً عنوان «قصص الانبیاء» دارند، خواهیم پرداخت. ساختار و مضامین این آثار، الگویی به دست می‌دهد که در درک این گونه ادبی و سیر تحول آن در اعصار میانه اسلامی راهگشاست؛ بنابراین هدف این مقاله، ارائه کتابشناسی آثار قصص الانبیاء نیست که این خود کاری دشوار است و پژوهشی مستقل می‌طلبد؛ همچنین آثار مختص به موضوع نبوت یا سرگذشت یک پیامبر (نظیر داستان یوسف) در این پژوهش جایی ندارد.

در منابع عربی سده‌های میانه، از آثار مشتمل بر داستان‌ها و افسانه‌های پیامبران در قرآن اساساً با عنوان «قصص الانبیاء» یاد می‌شود. این عنوان باید بسیار کهن باشد؛ چنان‌که ابن قتیبه (د ۲۷۶) در المعارف «مبتدا الخلق و قصص الانبیاء» را نخستین فن از فنون معارف معرفی کرده

مقاله

نکات درباره کتاب‌های قصص الانبیاء در منابع اسلام

یان پائولینی

ترجمه‌ای از: Ján Pauliny, "Some Remarks on the Qisṣat al-Anbiyá' Works in Arabic Literature", in The Qur'án. The Formative Interpretation, ed. Andrew Rippin, pp. 313-326

ترجمه مهرداد عباسی و راحله نوشاوند

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات | کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

چکیده: یکی از گونه‌های شناخته شده در میان انواع مختلف تألیفات اسلامی، گونه قصص الانبیاء است که ملهم از قرآن، روایت تاریخ و سرگذشت پیامبران پیش از اسلام است. نویسنده در مقاله حاضر، آثار مشتمل بر داستان‌های پیامبران و عناوین این آثار در منابع اسلامی را مورد دقت قرار داده و به بررسی مشهورترین کتاب‌های این گونه ادبی که عمدتاً عنوان قصص الانبیاء دارند، می‌پردازد. کلیدواژه: قصص الانبیاء، نقد و بررسی کتاب.

است، می توان به نسخه واتیکان، بدء الخلق و قصص الانبیاء،^{۱۰} اشاره کرد که مؤلف آن ابورفاعه عماره بن وثیمة الفرات (د ۲۸۹) نام دارد.^{۱۱} از آنجا که عماره را با عنوان یک مورخ می شناسیم،^{۱۲} این احتمال وجود دارد که تألیف او درباره قصص، در واقع گزیده ای از کتاب او در تاریخ باشد؛ حال آنکه سخاوی کاملاً به عکس، معتقد است عماره یک کتاب قصص الانبیاء مستقل در دو جلد نوشته است.^{۱۳}

قصص الانبیای نسبتاً کهن دیگری را می توان ذیل شماره ۱۲۴۹ / ب در کتابخانه بلدیة در اسکندریه یافت. بخش نسخهای اتحادیه عرب در قاهره، یک کپی از این نسخه برای خود تهیه کرده است. براساس همین نسخه، توصیف مختصری درباره این اثر در فهرست مؤسسه پیش گفته نیز آمده است.^{۱۴} این نسخه در سال ۶۶۶ در مغرب یا براساس توصیفی که گفته شد، در اندلس نوشته شده است. این نسخه منتسب به عبدالله محمد بن سعید بن هشام ججری است^{۱۵} که در هیچ جایی او را مؤلف قصص الانبیاء ندانسته اند. نسخه مذکور اثر منحصر به فردی است شامل داستان های خلقت و پیامبران از آدم تا ابراهیم که در شکلی بسیار دقیق تر و با جزئیاتی بیشتر نسبت به سایر قصه های پیامبران در مجموعه های قصص الانبیاء عرضه شده است. این کتاب با همان شیوه های معروف و رایج ارائه مطالب آغاز می شود و در آن، بارها به قرآن و مراجع نخستین (به ویژه وهب بن منبّه) استناد می شود. اما باید گفت قصه ها جنبه عامیانه تری دارند. در صفحه عنوان این نسخه، دستخط جدیدی وجود دارد که به اشتباه وهب بن منبّه را مؤلف این کتاب معرفی می کند. شاید این اشتباه ناشی از این حقیقت باشد که در بخش های آغازین کتاب، وهب راوی اصلی داستان های خلقت معرفی شده است. این اشتباه درباره نام مؤلف در فهرست اتحادیه عرب، که پیش تر ذکر شد، نیز رخ داده است.

علاوه بر این نسخه، دو مجموعه بسیار مشهور دیگر از داستان های پیامبران با عنوان «قصص الانبیاء» در دست داریم. نسخه های متعددی از این دو مجموعه در کتابخانه های مختلف باقی مانده و چندین بار نیز تجدید چاپ شده است:

الف) مجموعه ثعلبی (د ۴۲۷) که عمدتاً برگرفته از تفاسیر قرآن و منابع تاریخی است.^{۱۶}

است.^۱ ابن قتیبه در مقدمه کتابش به اختصار از معنای «فن» سخن گفته است،^۲ و از نخستین فصل کتابش، مفهوم دقیق تری از عبارت «فتی از فنون معارف» را می توان دریافت.^۳ در این فصل، داستان خلقت جهان و زندگی پیامبران پیش از اسلام به ترتیب تاریخی و به اختصار ذکر می شود. این فصل با فهرست کتاب های نازل شده بر پیامبران همراه با اطلاعاتی در خصوص سن پیامبران پایان می یابد. شکل و محتوایی که در کتاب ابن قتیبه می بینیم، با تفصیل بیشتری در آثار با موضوع و مضمون مشابه می توان باز یافت.

اگرچه کهن ترین آثار قصص الانبیاء به شکل اصلی شان به دست ما نرسیده است، اما احتمال زیادی وجود دارد که این قبیل آثار، پیش از روزگار ابن قتیبه مدت ها شهرت داشته اند و از لحاظ شکلی و محتوایی، براساس اصول و مبانی مشخصی تألیف می شده اند.

حاجی خلیفه عنوان «قصص الانبیاء» را به اثری بسیار کهن از این نوع نسبت می دهد که به دست ما نرسیده است. مؤلف این اثر، همان گونه که انتظار می رود، وهب بن منبّه (د ۱۱۰) است؛^۴ هر چند درباره عنوان حقیقی کتاب او نمی توان با قطعیت اظهار نظر کرد.^۵ حاجی خلیفه همچنین از قصص الانبیاء نویسان دیگری نام می برد که آثارشان بر جای نمانده است.^۶ از میان این افراد، می توان به سهل بن عبدالله بن تستری اشاره کرد که بنا بر گزارش برخی منابع، اصلاً کتابی در این باره تألیف نکرده است.^۷ اطلاعاتی درباره برخی آثار دیگر با عنوان قصص الانبیاء را که اغلب از بین رفته اند، می توان در منابع ذیل کتاب حاجی خلیفه^۸ یا در اثر پروکلیمان^۹ باز جست.

فهرست های نسخ خطی نیز اطلاعاتی درباره آثار قصص الانبیاء به دست می دهد. در میان این کتاب ها که منتسب به مؤلفان کمابیش قدیمی

۱. کتاب المعارف؛ قاهره، ۱۹۳۴، ص ۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶-۲۷. عنوان فصل نخست [این کتاب] در چاپ قاهره مبدأ الخلق است.

۴. حاجی خلیفه (کشف الظنون؛ ج ۴، ص ۹۲۳۶-۹۲۳۷) عناوین قصص اختیار و قصص الانبیاء را فهرست کرده است.

۵. قیاس کنید با کتاب الفهرست (چاپ قاهره، ص ۱۴۴) که عنوان کتاب المبدأ را آورده است. اما مؤلفان دیگر نظیر یاقوت (معجم الأدباء، قاهره، ۱۹۳۸، ج ۱۹، ص ۲۵۹-۲۶۰، ش ۹۴) یا ابن خلکان (وفیات الاعیان، قاهره، ۱۹۴۸-۱۹۴۹، ش ۷۴۳) در گزارش شان هیچ عنوان مشخصی از فعالیت ادبی وهب بن منبّه ارائه نمی دهند. هورویس (دائرة المعارف اسلام، چاپ اول، ج ۴، ص ۱۰۸۴-۱۰۸۵) عناوین مختلف اثر فرضی وهب بن منبّه را بررسی کرده است (نیزرک به: ترجمه عربی مغازی او، قاهره، ۱۹۴۹، ص ۳۱-۴). اوسوالی اساسی با این مضمون مطرح کرده است که آیا وهب بن منبّه چندین اثر در همین موضوع با عناوین مختلف نوشته است.

۶. حاجی خلیفه؛ کشف الظنون؛ ج ۴، ص ۹۴۳۷.

۷. قیاس کنید با: دائرة المعارف اسلام؛ ج ۱، ص ۴۳، ج ۶۳. عمر کحاله نیز در کتاب معجم المؤلفین (دمشق، ۱۹۵۷-۱۹۶۱) به پیروی از حاجی خلیفه یک کتاب قصص الانبیاء را به سهل تستری نسبت می دهد.

۸. اسماعیل باشا بغدادی؛ اطلح المکتون فی الذیل علی کشف الظنون؛ ج ۲، استانبول، ۱۹۴۵-۱۹۴۷، ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۸.

۹. GAL، 1: 428-429; Suppl., 1: 592.

10. Vat. V. Borg. P. 165.

11. CE. GAL. Suppl. 1: 217.

۱۲. قیاس کنید با: حاجی خلیفه؛ کشف الظنون؛ ج ۲، ص ۲۱۲. کحاله؛ معجم المؤلفین؛ ج ۷، ص ۲۶۹. نیز: Wüstenfeld. Geschichtsschreiber، ۸۲.

۱۳. سخاوی؛ الاعلان بالتویح لمن ذم اهل التاريخ؛ ص ۵۳۹. رجاعات این اثر مطابق ترجمه عربی فرانتس روزنتال است (بغداد: مکتبه المثنی، ۱۹۶۳). بنا بر قول مشهور، کتاب روزنتال متن کامل الرسخاوی را دربر دارد.

۱۴. فواد سید؛ فهرس المخطوطات المصوّرة، ج ۲، قاهره، ۱۹۵۸، ص ۱۱۷ (ش ۷۲۵).

۱۵. از این مؤلف در بخش های متعدد این کتاب، با چنین عبارتی یاد شده است: «قال ابو عبد الله محمد بن سعید بن هشام الحجری مصنف هذا الكتاب...».

۱۶. عنوان کلی این مجموعه، عرائس المجالس فی قصص الانبیاء (بولاق، ۱۲۸۶؛ قاهره، ۱۳۰۱ و...) است.

تعبیر مرکب قصص الانبیاء در زبان عربی به خودی خود کاملاً روشن و گویاست. معنا و واژگان تشکیل دهنده آن عیناً برگرفته از قسمت‌هایی از قرآن است که هورویتس «بخش‌های داستانی قرآن» نامیده است.^{۲۴} در این بخش‌ها، فعل «قَصَّ» یا مصدر آن «قَصَصَ» نسبتاً فراوان دیده می‌شود. از متن قرآن چنین برمی‌آید که این واژه‌ها معمولاً درباره داستان به معنای اخبار گذشته‌گان به کار رفته است.^{۲۵} در بسیاری موارد، گویی خود خدا سخنگوی واقعی این داستان‌هاست.^{۲۶} پیامبران نیز اغلب بازگوکنندگان نشانه‌های خدا یا گوینده داستان‌های شخصی خودشان قلمداد می‌شوند.^{۲۷} وجود واژه‌های قَصَّ و قصص در قرآن با توجه به معنایشان در زبان عربی، احتمالاً در شکل‌گیری اصطلاح قصص الانبیاء مؤثر بوده است؛ علاوه بر این، شواهدی در قرآن هست که نه تنها بر این حقیقت صحه می‌گذارد، بلکه بر نقش خدا در این داستان‌ها نیز تأکید می‌کند. این تأکید شاید در تفسیر معنای اصیل اصطلاح قصص الانبیاء و فهم مفهوم صرف قرآنی آن به معنای «روایت‌های خدا از پیامبران» مؤثر بیفتد. نمونه‌ای از این قبیل، آیه‌ای از آیات آغازین سوره یوسف است: «ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم، و تو قطعاً پیش از آن، از بی خبران بودی» (یوسف: ۳). در پایان سوره یوسف، بر هدف کلی این وحی تأکید شده است: «به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی هست» (یوسف: ۱۱۱). نیز «ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم: آنان جوانانسی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند» (کهف: ۱۳) و «وهریک از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم، و در اینها حقیقت برای تو آمده، و برای مؤمنان اندرز و تذکری است» (هود: ۱۲۰).

مطابق این آیات، بازگویی این وقایع داستانی، نه داستان‌سرایی بی‌هدف، بلکه بیان سرگذشت‌هایی است که نقشی مهم در قرآن ایفا می‌کند.^{۲۸} این داستان‌ها که برخی به تنهایی بخش‌های کاملی از قرآن را تشکیل می‌دهند و برخی به صورت پراکنده در میان آیات دیگر قرآن آمده‌اند،^{۲۹} هدف و معنای نشانه‌های خدا را توضیح می‌دهند و همچنین بیانگر خدا ترسی و تدین پیامبران یا توصیف گرامعالت زشت و بد گناهکاران، بت پرستان و متخلفان از شریعت الهی هستند؛ از این رو، این داستان‌ها هشدار دهنده و عبرت‌آموزند. اما آنچه در این باره برای ما اهمیت دارد، آن است که این داستان‌ها معرفی اولیه‌ای از پیامبران و رسالتشان به دست می‌دهد که مبنا و معیاری برای بررسی معنای اسلامی نبوت و تطور آن

ب) مجموعه کسان (احتمالاً زنده در قرن پنجم) که برداشتی عامه پسند از موضوعات داستانی قرآن ارائه می‌کنند.^{۳۰}

با این حال، بسیار دشوار است که عنوان اصلی و واقعی مجموعه‌هایی نظیر کتاب وهب کاملاً مشخص شود؛^{۳۱} در عین حال، بررسی ما نشان می‌دهد عنوان قصص الانبیاء برای نسل اول مجموعه نویسان یا راویان افسانه‌های پیامبران کاملاً آشنا بود و به تدریج به اصطلاحی رایج و معتبر بدل شد.^{۳۲} این موضوع کاملاً روشن است که از آغاز یا اندکی بعد، اصطلاح قصص الانبیاء که عنوان برخی آثار خاص بود. همچون عنوانی پذیرفته شده برای گونه‌ای خاص از منابع اسلامی سده‌های میانه کاربرد داشته است.^{۳۳} مؤید این مطلب آن است که سخاوی، یکی از مؤلفان متأخر، در طبقه بندی تألیفات تاریخی، جایگاهی مستقل برای متون قصص الانبیاء در نظر گرفته است. در این طبقه بندی، که به گفته خودش از ذهبی اقتباس کرده. آثار قصص الانبیاء در دومین طبقه و دقیقاً پس از آثار سیره قرار گرفته است.^{۳۴} سخاوی با اختصاص فصلی کوتاه به قصص الانبیاء مؤلفان مهمترین مجموعه‌های این گونه را نام می‌برد.^{۳۵} نخستین مؤلف در فهرست او محمد بن اسحاق است.^{۳۶}

است. عنوان مجالس برگرفته از این حقیقت است که این اثر به واحدهای جداگانه‌ای با نام المجالس تقسیم می‌شود؛ مثلاً مجلس فی قصة آدم عليه السلام از همین روست که بعداً مؤلف قصص الانبیاء علی رأی الامامیه (نسخه‌های برلین، ۱۰۲۵؛ بیترسن، ۶۳۳) تعلیمی را المجلسی خوانده است. برای نمونه در این نسخه‌ها از عنوان قصص الانبیاء نام رفته است. قاهره، دارالکتب ص ۱۳۵؛ قاهره، دارالکتب، ص ۲۷۰/۲؛ ریاض، ۱۰۹۵ (۵-۵)؛ بیروت، دارالکتب الوطنیه، ص ۳۴۵؛ قاهره، تیموریه، ص ۸۵۴؛ هوبنیکر، ص ۲۰۹، و جزاینها. در دیگر نسخه‌ها، عناوین بسیار جزئی تری به چشم می‌خورد که نشان دهنده محتوای کامل اثر است: مثلاً نسخه‌های واتیکان ۲۴۱/۵ و واتیکان ۴۴۴/۵ نامشان بدء الخلق و قصص الانبیاء است. نسخه لیبزیک ۱۰۶ عنوان مشابه کتاب بدء الدنیا و قصص الانبیاء را دارد. عنوان نسخه الأهرام ۲۳۴۴-۳۷۷۰ چنین است: هذا کتاب فیہ مبتداء الدنیا و قصص الانبیاء. نسخه‌های دیگر نظیر موزه بریتانیا ۴۹۸ نامشان فقط کتاب بدء الدنیا است.

ب توجه به عناوین متنوعی که برای این اثر به کار رفته است، رسیدن به نقطه‌ای که حاجی خلیفه به آن رسیده است، چندان دشوار نیست. او یک اثر را ذیل سه عنوان مختلف ذکر می‌کند. قصص الانبیاء (ج ۴، ص ۹۲۳)، بدء الدنیا (ج ۲، ص ۱۶۹) و خلق الدنیا (ج ۳، ص ۴۷۹۳). دوائر اخیراً نباید با اثر کسان درباره داستان‌های خلقت با عنوان کتاب عجائب الملکوت اشتباه کرد. متن تصحیح شده کتاب کسان، که اسحاق آریزبرگ آن را تصحیح و انتشارات بریل در سال ۱۹۲۲-۱۹۲۳ منتشر کرده است. نیز نام قصص الانبیاء را در صفحه عنوان عربی‌اش دارد.

۱۸. در قدیم ترین نسخه‌های برجای مانده از مجموعه کسان (برلین ۱۰۲۴، مورخ ۱۲۰۳/۱۲۰۳؛ موزه بریتانیا ۴۹۷، مورخ ۶۱۷/۱۲۲۰؛ لندن ۸۹۰، مورخ ۷۸۱/۱۳۷۹) برگ‌ها در آغاز نسخه‌ها به دست نسخه نویسان بعدی استفاده شده یا آسیب دیده است؛ به صورتی که مسئله‌ای درباره ایده‌ای روشن از نحوه عنوان گذاری اصلی این اثر وجود ندارد.

۱۹. در این باره نیز رک، به: سخاوی، اعلان، ص ۵۲۲. حاجی خلیفه: کشف الظنون، ج ۴، ص ۹۲۳. ذیل کتاب حاجی خلیفه: کشف الظنون، ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۸. نیز: GAL، ۱: ۴۲۸-۵۹۲. Suppl. ۲۹.

۲۰. عنوان قصص الانبیاء به آثاری از این دست در دیگر زبان‌های اسلامی نیز راه یافته است؛ برای نمونه رک به: نسخه براون، ۲۱. J. (مورخ ۷۳۱) که ترجمه فارسی اثری به زبان عربی نوشته ابوالحسن بوشنجی است (۵۹۲، GAL، Suppl. ۱: ۵۹۲). عنوان عربی قصص الانبیاء همچنین در ترجمه‌های ترکی اثر کسان آمده است؛ مثلاً رک به: نسخه ۸۸۱ Yeni.

تا اور (۱۹۶۳، ۳۹۱) J. یادآور شده است آثاری با عنوان کلیشه‌ای قصص الانبیاء به تعداد بسیاری در منابع فارسی عرضه شده‌اند. در میان آنها کتاب اسحاق بن ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری شهرت گسترده‌ای یافته است.

۲۱. سخاوی، اعلان، ص ۵۱۸.

۲۲. همان، ص ۵۲۲.

۲۳. همان، ص ۵۲۲. در مقایسه با این دیدگاه، مقدسی نیز دیدگاهی مشابه دارد. رک به: یادداشت شماره ۵۴.

24. Horovitz, *Koranische Untersuchungen*, 1.

نیز رک به: قصص الانبیاء عبدالوهاب نجار (قاهره و بیروت، ۱۹۶۶)، که به همه این عبارات اشاره دارد. ۲۵. به جز آیات آل عمران، ۲؛ انعام، ۵۷؛ احتمالاً اعراف، ۷؛ یا:

Horovitz, *Koranische Untersuchungen*, 7.

۲۶. ساء، ۱۶۴؛ هود، ۱۲۰؛ یوسف، ۳؛ یوسف، ۱۱۱؛ نحل، ۱۱۹؛ کهف، ۳؛ طه، ۹۹؛ نمل، ۷۶.

۲۷. انعام، ۱۳۰؛ اعراف، ۱۳۵؛ اعراف، ۱۷۶؛ یوسف، ۵؛ قصص، ۲۵.

28. Cf. Horovitz, *Koranische Untersuchungen*, 8ff.

۲۹. همان، فصل اول، ص ۴-۱.

به خود و رسالتش جلب می‌کند.^{۳۵} محمد (ص) از این طریق می‌خواست برای مردمان عرب صدر اسلام توضیح دهد که پیامبر خدا حقیقتاً کیست و چه وظایف و مسئولیت‌هایی دارد.

برخلاف قرآن که همواره نشان دهنده ارتباطی اساسی و مهم میان محمد ﷺ و دیگر پیامبران است، در آثار قصص الانبیاء سرگذشت پیامبران به طور جداگانه و بدون ارتباط با رسالت محمد ﷺ بررسی می‌شود. این موضوع را همچنین می‌توان از این حقیقت دریافت که بخش‌هایی از زندگی محمد ﷺ هرگز در نخستین آثار قصص الانبیاء جای نگرفته‌اند.^{۳۶} تنها در مواردی اندک و پراکنده از محمد ﷺ در آثار قصص الانبیاء سخن به میان آمده یا در بخش‌های پایانی آنها پیامبران عهد قدیم با محمد ﷺ مقایسه شده‌اند.

در همان ابتدای کار، باید دگرگونی و اختلاف در کار تألیف قصص الانبیاء پدیدار شده باشد؛ زیرا زندگی پیامبران در آثار مختلف این گونه ادبی به شیوه‌های متفاوتی بررسی شده است. اما این موضوع تنها از قرن پنجم به بعد قابل تحقیق است؛ زیرا مهم‌ترین آثار قصص الانبیاء موجود، از آن زمان به وجود آمده‌اند؛ در واقع در آن زمان بود که مفسر مشهور قرآن، ثعلبی،^{۳۷} کتاب خود *عرائس المجالس فی قصص الانبیاء* را گرد آورد. با توجه به روش نقل و ارائه مطالب می‌توان دریافت که این کتاب از روایت‌های تفسیری^{۳۸} و منابع تاریخی حاصل آمده است؛ هرچند مؤلف از نقل اخبار غیر موثق نیز صرف نظر نکرده است. مجموعه منتسب به کسائی^{۳۹} در مقایسه با کتاب ثعلبی برداشتی عامیانه از مطالب داستانی در قرآن به دست می‌دهد. ویژگی خاص اثر او بیان منسجم داستانی هر موضوع است که این ویژگی کتاب کسائی را به اثری صرفاً ادبی بدل کرده است.

عالمان و متکلمان اسلامی هرگز آثار قصص الانبیاء را منبعی موثق برای پژوهش درباره زندگی پیامبران پیش از اسلام به شمار نمی‌آورند.^{۴۰} مراجع اصلی در این باره عبارتند از: قرآن و پس از آن مجموعه‌های روایات و تفاسیر مشهور و مورد اتفاق. این نگاه بدبینانه پژوهشگران مسلمان به قصص الانبیاء

است.^{۴۱} هم مفسران قرآن و هم نویسندگان کتاب‌های قصص الانبیاء از همین منظر به جنبه‌های اصولی و بنیادین بخش‌های داستانی قرآن نگریسته‌اند. ثعلبی در مقدمه کتابش می‌نویسد:

خداوند قادر، برای برگزیده خود [مصطفی، یعنی پیامبر اسلام] داستان‌هایی (قصص) از پیامبران گذشته و مردمان پیشین را برای پنج هدف یا حکمت حکایت می‌کند. نخستین حکمت، عرضه دلیلی بر صدق نبوت محمد است؛ زیرا او اومی بود و از طریق دیگری نمی‌توانست این داستان‌ها را بیاموزد. حکمت دوم فراهم آوردن اسوه‌هایی اخلاقی برای محمد و امت اوست. سومین حکمت نقل جزه به جزء این داستان‌ها تأکید بر برتری محمد و امتش بر امت‌های پیشین است. حکمت چهارم این است که خداوند از طریق نقل داستان‌های پیامبران و عاقبت آنان و دشمنانشان، قصد تعلیم و تربیت جامعه اسلامی را داشته است... پنجمین حکمت در بازگویی سرگذشت پیامبران و صالحان گذشته، حفظ نام و یاد و کارهای آنهاست.^{۴۲}

مؤلفان بعدی، واژه «حکمة» را که اغلب در قرآن کریم به معنای دانایی یا پند آمده،^{۴۳} و برآمده از نشانه‌های خداوند یا اعمال پیامبران است، بسیار به کار برده‌اند.^{۴۴}

اگرچه در مقدمه سایر آثار قصص الانبیاء، از جمله قصص الانبیاء کسائی^{۴۵} به هدف اخلاقی خاصی تصریح نشده است، مضامین این آثار آشکارا نشانگر آن است که مؤلفان آنها پیرو چنین الگویی بوده‌اند.

ارتباط قصص الانبیاء با قرآن، تنها در وابستگی آن به وحی قرآنی خلاصه نمی‌شود. مؤلفان قصص الانبیاء در عین حال به کارکرد و نتایج اخلاقی داستان‌های پیامبران در قرآن نیز نظر دارند. آنان در صدد تبیین نشانه‌های خدا و اثبات نبوت پیامبران برای مسلمانان سده‌های میانه بودند و این کار را در درجه نخست بر پایه قرآن و در درجه دوم بر اساس دیگر منابع تکمیلی که عموماً متأثر از کتاب مقدس بودند، انجام می‌دادند.

هورویتس به درستی یادآور می‌شود که محمد (ص) با سخن گفتن از تلاش‌ها و پیروزی‌های پیامبران، توجه [مخاطبانش] را به طور غیر مستقیم

35. Cf. Horowitz, *Koranische Untersuchungen*, 44ff.

۳۶. چندین کتاب قصص الانبیاء از دوره اخیر، شامل تاریخ زندگی پیامبر اسلام است؛ از جمله این آثار، نسخه خودنوشتی با عنوان قصص الانبیاء (متعلق به کتابخانه خالدیه در اورشلیم، سیه، ش ۲۳) از احمد بن ابی عذیبه است. در این باره رک به: مقاله من:

"Ein unbekanntes Autograph Qisas al-anbiya' von Ahmad ibn Abi 'Udhayba", *Asian and African Studies* (Bratitlava - SAV) 5 (1969), 71-76; 6 (1970), 87-91.

۳۷. قیاس کنید با: ابن خلکان (فاهره، ۱۹۴۸-۱۹۴۹)، ش ۳۰. نیز:

Wüstenfeld, *Geschichtsschreiber*, no. 185, *Lidzbarski, De prophetis quae dicuntur legendis arabicis* (Leipzig, 1893), pp. 15-20.

۳۸. ثعلبی در مقدمه کتابش تنها به صورتی غیر مستقیم به این نکته اشاره می‌کند: «این کتابی است شامل داستان‌های پیامبران مذکور در قرآن همراه با تفسیر... (ثعلبی [فاهره، حلبی]، ص ۲).

39. cf. Lidzbarski, *De prophetis quae dicuntur legendis arabicis*, 20-25; *EF*, 2: 1037.

۴۰. در این باره رک به:

Goldziher, *Muhammedanische Studien*, 2: pp. 161-170.

گلدتسیهر، واکنش عالمان مدرسی به فعالیت داستان‌پردازان حرفه‌ای را که میل وافری به نقل داستان‌های شخصیت‌های کتاب مقدس داشتند، به نحوی جامع بررسی کرده است.

۳۰. همان، ص ۴۴ به بعد.

۳۱. ثعلبی (جواب فاهره)، صص ۲ و ۳. این مقدمه ثعلبی و آیات دیگر قرآن که ما ذکر کردیم، در *الاحلاق بالنسوخ لمن ذم اهل التاريخ* سخاوی نیز آمده است. سخاوی با ذکر این نمونه‌ها در صدد نشان دادن توجه خداوند به وقایع گذشته است. به نظر سخاوی، توجه خدا به داستان‌های گذشته، محرکی مهم برای پیدایی تاریخ‌نگاری اسلامی بوده و فعالیت علمی در این رشته را به خوبی توجیه می‌کند. به نوشته او، این موضوع برای نشان دادن برتری علم تاریخ و جایگاه رفیع پژوهشگران کافی است (همان، ص ۴۰۴).

در این باره همچنین رک به: کافجی، *المختصر فی علم التاريخ* (نسخه فاهره، دالکتب، ۲۵۸، برگ ۵ پ، ۱۰) (صفحات دیگر) که بر نقش الله در رخدادهای مربوط به انبیا و رسل «بازها تأکید شده است.

32. Cf. Horowitz, *Koranische Untersuchungen*, 71ff

هورویتس از معانی مختلف این واژه در قرآن سخن گفته است.

۳۳. قیاس کنید با: قره حصاری، رونق التفسیر (نسخه براتیسلاوا، ۱۵۸)، برگ ۶۹. که در آن، واژه حکمه به معنای میدان روح خدا در جسم آدم آمده است.

۳۴. کسائی: قصص الانبیاء، ج ۱، صص ۵ و ۶.

نجماران دیدگاه نقادانه را نسبت به آثار قصص الانبیاء سنتی در چاپ نخست کتاب خود نیز نشان داده است. او در بخشی با عنوان «دیدگاه مردم درباره قصص الانبیاء من» به این نکته تصریح دارد.^{۵۱}

لحن سخن نجار به خوبی نشان می‌دهد که او قصص الانبیای سنتی را از منظر مذهبی بسیار سرسختانه و تنگ‌نظرانه‌ای داوری می‌کند. نجار به این نکته توجه ندارد که این کتاب‌ها به شکلی که به دست ما رسیده مطابق با مطالبات اجتماعی آن روزگار تألیف شده است و از همین روست که از حیث شکل و محتوا، با تصورات بازتاب یافته در همه آثار رایج مشابه در آن دوران، همخوانی دارد. دقیقاً به همین دلیل بود که آثار قصص الانبیاء شهرت یافتند و در سراسر اعصار میانه، همچون گونه‌ای مستقل در منابع اسلامی شناخته می‌شدند. نجار عوامل مهم دیگری را نیز در نظر نمی‌گیرد؛ از جمله اینکه این مجموعه‌ها بنا نبوده است «داستان‌های پیامبران در قرآن» با تفاسیر محض بخش‌های داستانی قرآن باشند، بلکه از همان ابتدا بر پایه منابع مختلفی با خاستگاه‌های غیرقرآنی و به عنوان مجموعه‌های بزرگ اخبار یا داستان‌های مرتبط با پیامبران گرد آمدند. بسیاری از اوایان یا افراد دیگر در شکل‌گیری این آثار سهیم بوده‌اند. این موضوع به ویژه در مجموعه کسائی که به خودی خود دستاورد داستان‌سرایان سده‌های میانه است، آشکار می‌شود.

گردآورندگان داستان‌های پیامبران، ویژگی خاصی به آثارشان افزودند که آنها را کمابیش در زمره منابع اسطوره‌ای اسلامی قرار می‌دهد. شایان ذکر است عنصر اسطوره‌ای یا افسانه‌ای داستان‌ها در آثار قصص الانبیاء که اوج آن در قالب اثری کاملاً ادبی در این موضوع (کتاب کسائی) ظهور کرده، شاخص‌ترین ویژگی این آثار است.

در تاریخ منابع عربی، به جز عنوان رایج قصص الانبیاء، عناوین دیگری نیز معرفت داستان‌های خلقت و رخدادهای زندگی پیامبران است. این‌ندیم در کتاب الفهرست (تألیف شده در سال ۳۷۷ ق) در فصلی با عنوان «اصحاب السیره والاحداث و اسماء کتبه»^{۵۲} به مؤلفانی بسیار قدیمی اشاره می‌کند که آثاری با عنوان کتاب المبتدأ تألیف کرده‌اند. از جمله این افراد، وهب بن منبه و محمد بن اسحاق‌اند.

معنای عبارت کتاب المبتدأ ممکن است این گمان را ایجاد کند که این کتاب‌ها صرفاً شامل داستان‌های خلقت بوده‌اند، اما این امر بعید به نظر می‌رسد. مطهرین طاهر مقدسی در کتاب خود^{۵۳} (تألیف شده در سال ۳۵۵ ق) از درونمایه‌های کتاب ابن اسحاق^{۵۴} بسیار بهره گرفته است. این درونمایه‌ها هم در فصل‌های مربوط به داستان‌های خلقت و هم در

همچنان به قوت خود باقی است. کتابی بانام قصص الانبیاء که اخیراً چاپ دوم آن با عنوان فرعی «لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب» منتشر شده است تأییدی بر این مطلب است.^{۴۱} مؤلف این کتاب عبدالوهاب نجار^{۴۲} استاد تاریخ اسلام در دانشکده اصول‌الدین (دانشگاه الازهر) است. همان‌گونه که در مقدمه چاپ اول این کتاب آمده است،^{۴۳} عبدالوهاب نجار به دعوت شماری از استادان دانشگاه الازهر، مجموعه سخنرانی‌هایی درباره تفسیر بخش‌هایی از قرآن که به پیامبران پیش از اسلام اختصاص دارد، ایراد کرد.^{۴۴} هدف از این سخنرانی‌ها که دقیقاً با همین عنوان به چاپ رسید، آن بود که تعریفی دقیق از مفهوم قصص الانبیاء ارائه شود. نجار کوشش بسیاری به خرج داد تا معنای تعبیر قصص الانبیاء را روشن سازد. او به این نتیجه رسید که این اصطلاح به داستان‌های مذکور در قرآن و داستان‌هایی حاوی گزارش‌های راجع به حیات پیامبران پیش از اسلام اشاره دارد.^{۴۵} کتاب او به فصل‌هایی تقسیم شده که هر کدام مربوط به یک پیامبر است. فصل نخست، شامل بررسی زندگی آدم، به معنای دقیق کلمه، در قرآن است. فصل‌های دیگر به ترتیب تاریخی، یکی پس از دیگری ذکر می‌شود. در ابتدای همه فصل‌ها، از جمله فصل مربوط به آدم علیه السلام^{۴۶} فهرستی از آیات مرتبط با پیامبر مورد نظر آمده است؛ سپس این بخش‌ها از نظر موضوعی به «موقف»‌ها یا واحدهای موضوعی تقسیم می‌شود^{۴۷} و در هر یک آیات مربوط به طور کامل می‌آید. مؤلف، این موقف‌ها را با آیه‌ای از عهد قدیم و عهد جدید مقایسه کرده است. در آموزه‌ها یا ملاحظاتی^{۴۸} که نجار در تفسیر آیات مربوط آورده،^{۴۹} تفاسیر جدیدی چون المناری بیشتر مطمح نظر او بوده و نتایج آنها را با آرای خودش کامل کرده است.

چنان‌که از توضیحات پیشین پیداست، قصص الانبیای عبدالوهاب نجار با رساله‌های سده‌های میانه با همین عنوان به کلی مخالف است. نجار بدون اطلاع از این موضوع، کاملاً اطمینان دارد که بیان او از داستان‌های قرآن تنها شکل صحیح روایت آنهاست. او در مقدمه دومین چاپ کتابش از آثار کهن و سنتی قصص الانبیاء این چنین انتقاد می‌کند:

در کتاب‌های تألیف شده درباره پیامبران پاک و رسولان نیک خدا نظر کردم و دریافتم که مؤلفان این آثار حق و باطل را به هم آمیخته‌اند؛ خبر نادرست را در کنار خبر درست جای داده‌اند و گردنبندهای خود را از مرورید و خاک درهم ساخته‌اند. ایشان داستان‌های خود را با هیچ محکی نستجیده‌اند تا بتوانند اصل را از خرافه تمییز دهند.^{۵۰}

۴۱. رک به: یوسف، ۱۱۱.

۴۲. نجار: قصص الانبیاء، صفحه ز.

۴۳. عبدالوهاب نجار: قصص الانبیاء؛ چاپ دوم با اضافات (قاهره و بیروت، ۱۹۶۶).

۴۴. همان.

۴۵. قیاس کنید با: دیدگاه ما درباره معنای اصلی اصطلاح قصص الانبیاء.

۴۶. نجار: همان، ص ۱.

۴۷. مثلاً رک به: «خلق آدم من طین» (نجار: قصص الانبیاء؛ ص ۲).

۴۸. مثلاً رک به: «الایضاح فی قصة آدم» (نجار: قصص الانبیاء؛ ص ۲۱).

۴۹. نجار: قصص الانبیاء؛ صفحه ح، ط.

۵۰. همان، صفحه ی.

۵۱. همان، صفحه ک.

۵۲. کتاب الفهرست (قاهره)، ص ۱۳۷-۱۴۹.

۵۳. کتاب البدء و التاریخ (چاپ هوار).

۵۴. مقدسی می‌گوید: «اما محمد بن اسحاق در کتابش می‌گوید که کتاب او نخستین کتابی است که درباره آغاز خلقت تألیف شده است...» (کتاب البدء و التاریخ، چاپ هوار، ج ۱، ص ۱۴۹).

التفاسیر دارد.^{۶۳} از مقدمه این اثر می‌توان دریافت^{۶۴} که مؤلف در تألیف این اثر، از تفسیر بغوی (ابن فزاع، د ۵۱۶)^{۶۵} و نیز «دیگر داستان‌های تفسیری، از جمله احادیث نبوی برگرفته از [دو کتاب] مصابیح و مشکاة»^{۶۶} استفاده کرده است. منظور او از این دو کتاب مصابیح السنه بغوی و مشکاة المصابیح ولی‌الدین [خطیب عمری] (د ۷۴۳) است که تکمله‌ای مشهور بر کتاب بغوی به شمار می‌آید.

آلوارت [خاورشناس آلمانی و متخصص در زبان و ادبیات عربی، د ۱۹۰۹] پیش‌تر از عدم انسجام تألیف قوه‌حصاری سخن گفته است.^{۶۷} بررسی اجمالی این متن نشان می‌دهد مؤلف در تألیف اثرش به منابع گوناگونی استناد کرده و اقوال برگرفته از آنها را بدون رعایت نظم و ترتیب خاصی آورده است. ویژگی شاخص این اثر، تمایل مؤلف به استفاده از منابع عامه‌پسند است که در فصل‌های پایانی به صورت چشمگیری قابل مشاهده است. در این فصل‌ها^{۶۸} نقل عالمانه مطالب تقریباً به طور کامل به حاشیه رفته است؛ بنابراین عنوان رونق التفاسیر تنها تا حدی مطابق با محتوای اثر است. این اثر در واقع تألیفی بی‌ارزش در گونه قصص الانبیاء است که احتمالاً به سبب تمایل نویسنده‌اش به روزآمد بودن چنین نامی گرفته است.

دیگر آثار این گونه ادبی، عنوان‌هایی چون عرائس القرآن و نفائس القرآن^{۶۹} یا کتاب العقائق^{۷۰} دارد.

پیش‌تر در مقاله‌ای دیگر^{۷۱} آثار اسلامی بعدی را که تصویرگر سرگذشت‌های پیامبران بودند، بررسی کرده‌ایم. موضوع این مقاله عبارت بود از تحلیل اثر ابن ابی عذیبه از حیث شکل و محتوا و توصیف کلی از گرایش‌های غالب در آن که شاخصه زندگی‌های پیامبران در منابع عربی دوره رو به انحطاط بوده است. به احتمال زیاد، بروز عناوین متنوع برای زندگی‌های پیامبران در اواخر سده‌های میانه، برآمده از اقبال گسترده به تألیف در این دوره است. بی‌محتوایی و بی‌مایگی عمومی حاکم بر تألیفات این دوره سبب شد آثاری ارزشی درباره زندگی‌های پیامبران پدید آید و عناوین متعددی برای آنها وضع شود.

با این همه، عنوان قصص الانبیاء در سراسر سده‌های میانه برجای مانده و امروزه عنوانی است برای مجموعه‌های داستان‌های پیامبران که از حیث شکل و محتوا، کاملاً فراتر از چارچوب تنگ و محدود قرآن است؛ هر چند نخستین انگیزه‌های پیدایی آن، برخاسته از قرآن و تفسیر بوده است.

63. see GAL, 2: 229, Suppl. 2: 320.

64. نسخه براتیسلاوا ۱۵۸، برگ ۶۷ الف.

65. E1¹: 1.893.

66. نسخه براتیسلاوا ۱۵۸، برگ ۶۷ ر.

67. Verzeichnis der arabischen Handschriften der Kgl. Bibliothek zu Berlin, 1: 411 (Ms. Berl. 1028, Spr. 451).

68. برای نمونه رک به: ارجاعات اوبه اثر کسانى در سرگذشت ادریس پیامبر (نسخه براتیسلاوا، ۱۵۸، برگ ۱۵۱).

69. نسخه برلین، ۱۰۳۰.

70. نسخه موزه بریتانیا، ۳۵۲، برگ ۱۶۹ پ.

71. رک به: یادداشت ۳۶.

فصل‌های راجع به حیات پیامبران پیش از اسلام دیده می‌شود. مقدسی در اقوال برگرفته از ابن اسحاق، تنها از کتاب المبتدأونام برده است؛ مثلاً اینکه «محمد بن اسحاق در المبتدأ می‌گوید»^{۵۵} یا «همة این مطالب آن چیزی است که محمد بن اسحاق مؤلف مبتدأ و مغازی نقل کرده است»^{۵۶}؛ اما نمی‌توان گفت آیا کتاب المبتدأ و هب همان قصص الانبیایی است که حاجی خلیفه به او نسبت داده است یا خیر.^{۵۷}

در هر حال، باید میان معنای حقیقی واژه مبتدأ (یعنی آغاز) که در بیان مقدسی آمده^{۵۸} و معنایی که در عنوان کتاب المبتدأ مراد بوده است، تمایز روشنی باشد. عبارت کتاب المبتدأ، همان‌گونه که پیشتر گفته شد، در معنای عام‌تری به کار رفته است. نمونه بعدی مؤید این واقعیت است: مسعودی (م ۳۴۵) در مروج الذهب خود، پس از نقل داستان داوود و اوریا می‌نویسد: «این بود روایتی از داستان اوریا بن حیان و نحوه کشته شدن او که با آنچه در کتاب المبتدأ و جاهای دیگر آورده‌ایم، مطابقت دارد»^{۵۹}.

مسلماً آثاری با عنوان کتاب المبتدأ به شکلی گسترده در اعصار نخست رواج یافته بودند، اما به شکل اصلی‌شان به دست ما نرسیده‌اند. مضامین این کتاب‌ها تنها از طریق آثار بعدی مورخان و مفسران یا به واسطه آثار قصص الانبیاء (همچون قصص الانبیاء ثعلبی) آشکار می‌شود.^{۶۰} عناوین دیگر مرتبط با همین موضوع، نظیر کتاب البدء یا کتاب بدء الدنيا یا کتاب بدء الخلق نیز بسیار رایج است. این عناوین اغلب بخشی از عنوان کامل کتاب بوده‌اند که با عبارت قصص الانبیاء ارتباط داشته است.^{۶۱}

در سده‌های میانه اسلامی، برخلاف سده‌های نخست، چندین عنوان مربوط به زندگی‌های پیامبران دیده می‌شود. صرف نظر از عنوان قصص الانبیاء که حتی برای آثار مجهول المؤلف و متفاوت از حیث حجم و کیفیت نیز به کار رفته است،^{۶۲} عناوین دیگری که قبلاً ناشناخته بود، در این دوران پدید آمد.

محمد بن نجیب قوه‌حصاری (زنده در قرن نهم) تألیفی با عنوان رونق

۵۵. همان، ج ۲، ص ۳۸.

۵۶. همان، ج ۲، ص ۸۴.

۵۷. رک به: یادداشت شماره ۴ و ۵.

۵۸. مقدسی در مقدمه کتابش می‌نویسد: «من درباره آغاز و پایان خلقت و نبرد داستان‌های پیامبران بعدی گزارشی گرد آورده‌ام» (کتاب البدء و التاریخ، چاپ هوار، ج ۱، ص ۶).

۵۹. مروج الذهب (قاهره، ۱۹۶۴)، ج ۱، ص ۵۷.

60. cf. GAL, Suppl. 1: 205.

بروکلمان از مؤلفانی نام برده است که از کتاب المبتدأ ابن اسحاق یاد کرده‌اند.

۶۱. مثلاً رک به: یادداشت ۱۷، که در آن عناوین مختلف در ارتباط با اثر کسانى ذکر شده است.

۶۲. مثلاً رک به: نسخه قازان ۲۵. از بخشی از نسخه قازان می‌توان دریافت که بیانی ادبی از موضوع است. داستان‌ها منسجم است و ساختاری منطقی دارد. در این متن، ذکرى از روایان نرفته است. برینش (Die arabischen Handschriften der herzoglichen Bibliothek zu Gotha, ۳: ۳۲۷).

این قطعه را با متن کسانى مقایسه کرده، دریافته است که اساساً یا یکدیگر متفاوتند. همچنین رک به: نسخه وین ۱۲۰۵، که داستان‌هایی از زندگی محمد و چهار خلیفه نخست را نیز در بر دارد؛ به علاوه رک به: نسخه پاریس ۱۹۲۲، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، قاهره، دارالکتب ۸۲۹ مجامع، و مانند آنها.